



یادداشت

گرسنگان را با سرکوب نمی توان از اعتراض بازداشت!

صادق کار



اعتراضات را با دادن وعده‌های کاذب، افزایش سرکوب و وحشیگری و به قتل رساندن مبارزان زندانی و سانسور و اعمالی از این قسم نمیشود فرونشاند. مردم تا کنون نشان داده‌اند که می خواهند حقوق غصب شده شان را به طرق متمدنانه از حکومت فاسد و جنایتکار پس بگیرند و بنیاد بی عدالتی و استبداد را از کشورشان ریشه کن نموده و نظم دمکراتیک و پیشرفته‌ای را جایگزین آن کنند. طبیعی است که اگر از اعتراضات مسالمت آمیز نتیجه نگیرند خواه ناخواه طولی نخواهد کشید که این اعتراضات به قیام های بیداد برافکن سرکوب ناپذیر تبدیل شوند. نان یکی از نیاز های حیاتی انسان است، کالایی لوکس نیست که مردم با زور و سرکوب نداشتن اش را بپذیرند برای کسی که نان نداشته باشد فرقی نمی کند که از نداری و گرسنگی بمیرد و یا با گلوله در مصاف با پاسداران گرسنگی و بیداد

در میانه این هفته قیمت تخم مرغ به دانه‌ای ۲ هزار تومان رسید. این تنها یک نمونه از ترمز بریدن قیمت کالاهای پر مصرف است که تا مدتی پیش هنوز کالایی لاکچری نشده بود و جز ارزانترین و پر مصرفترین مواد پروتئینی برای اکثریت فقیر جامعه بود و جایگزینی بود برای گوشت قرمز و گوشت مرغ. قیمت سایر کالاها و خدمات، از گوشت و لبنیات و حبوبات و نان گرفته تا برق و خانه نیز بهمین نسبت طرف مدت کوتاهی همچون قطار اتمی احمدی نژاد ترمز بریده‌اند. قیمت مسکن که ظاهراً قرار بود در اثر وعده ساختن یک میلیون مسکن کاهش پیدا کند، خلاف انتظارات طبق آمار بانک مرکزی هم قیمت و هم اجاره بهای خانه نیز به شدت افزایش پیدا کرده است.

حالا دیگر خرید خانه که سهل است، تامین کرایه یک خانه کوچک در ارزانترین مناطق شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ برای افراد مزد و حقوق بگیر هم دارد به رویایی دست نیافتنی تبدیل می شود. طبق آمار رسمی جدید متوسط اجاره بهادر تهران ۴۵ درصد در "شهریور امسال نسبت به سال گذشته افزایش پیدا کرده است. به نوشته روزنامه اعتماد

آگهی های اجاره خانه در سایت های مرتبط نشان می دهد که برای اجاره خانه ای ۸۵ متری در یافت آباد ودیعه ای ۲۵۰ میلیون تومانی، ماهی دو و نیم میلیون تومان اجاره نیاز دارد. یا آپارتمانی ۸۵ متری ودیعه ای ۳۰۰ میلیون تومانی نیاز دارد. " این یعنی یک کارگر که ماهی سه و نیم میلیون می گیرد و هشت اش گرو نه‌اش سه میلیون از کل مزدش را باید بابت کرایه مسکن و پول آب و برق



بپردازد. این هم به شرطی است که مبلغ ودیعه ۳۰۰ میلیونی را که به تنهایی معادل بیش از ۷ سال دستمزد کامل یک کارگر است داشته باشد.

سیاستهای اخذ شده در مورد آزاد سازی قیمتها که کوشش می شود با کمترین سر و صدا از فعل به عمل درآمد از آن جمله قطع ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی گفته می شود عامل اصلی گرانی های فزاینده اخیر است. بر اساس تازه ترین آمار که در این هفته منتشر شد نرخ تورم مواد خوراکی رکورد ۴۰ سال گذشته را شکست و به ۶۰ درصد رسید. البته در عمل وضع از این هم بدتر است و گفته می شود قیمت مواد خوراکی بیشتر از آن است که آمارهای رسمی اعلام می کنند. می گویند این آمارها را می دهند تا آمارهای واقعی را زیر آنها پنهان کنند. درست مانند آمارهای اشتغال که نیمی از واقعیت را نشان می دهند تا نیمه دیگرش را پنهان کنند.

رشد جهشی تورم در شرایطی همچنان به نظر می رسد ادامه داشته باشد که تک رقمی کردن نرخ تورم مهمترین وعده اقتصادی ابراهیم رئیسی به مردم بود. حالا اما به گفته کارشناسان و به تائید آمارهای رسمی تورم مواد غذایی روی سه دهک پائین جامعه از ۲۱ درصد در سال گذشته به ۶۰ درصد افزایش یافته است. جالب است وقتی بحث افزایش دستمزدهای زیر خط فقر و بقا از طرف کارگران و تشکلهای کارگری مطرح می شود، دولتمردان و کارفرمایان ولی نعمت شان با آن به بهانه تورم را بودن مخالفت و حتی برای کاهش دستمزدها شب و روز مشغول دسیسه چینی هستند و تلوزیون و رادیوی دولتی نیز تبلیغات دروغین آنان را به خورد مردم می دهند.

دستمزد ها در دولت جدید هنوز ریالی اضافه نشده که هیچ، دولت و مجلس جلوی پرداخت بعضی از مصوبات افزایش مزدی دولت گذشته را هم گرفته اند، با این احوال تورم و گرانی امان مردم را بریده است.

سال است که هیچگاه دستمزدها متناسب با نرخ تورم و هزینه های زندگی افزایش داده نشده و سال به سال تناسب بین هزینه ها و ۴۰ دستمزدها به ضرر دومی بهم خورده است. بطور که هم اکنون هزینه مسکن به تنهایی کل دستمزد یک کارگر حداقل بگیر، یک پرستار و معلم و بازنشسته را می بلعد. در چهار سال اخیر همواره میزان افزایش دستمزد حتی کمتر از نیمی از نرخ رسمی تورم بوده است. در چنین شرایطی بسیار طبیعی است که تمام بخشهای جمعیت مزد و حقوق بگیر اعم از شاغل و بازنشسته صبرشان لبریز شود و به هر شکل ممکن برای افزایش دستمزد، کنترل تورم و سیاستهایی که آنها و خانواده هایشان را تا مرز گرسنگی و قحطی رانده است به اعتراض برخیزند.

اعتراضات هفته گذشته معلمان در دهها شهر، اعتراض چند هفته ای کارنامه سبزه ها، اعتراض همزمان بازنشستگان وزارت بهداشت در پنج شهر مختلف، کارگران شهرداری ها، معدن چیان کرمانی، نیشکر هفت تپه و تداوم ۱۰۰ روزه اعتصاب کارگران پیمانی نفت... همگی واکنشهایی هستند حاکی از غیر قابل تحمل شدن وضع جاری و سرازیر شدن گرسنگان و درماندگان از تامین معیشت به خیابانها بی جهت نیست که هر مقام دولتی از رئیس جمهور و رئیس مجلس گرفته تا نماینده مجلس فرمایشی هر کجا قدم می گذارد در محاصره کارگران معترض و خشمگینی قرار می گیرند که خواسته اصلی شان اعتراض به بیداد و گرسنگی است.

اعتراضات را با دادن وعده های کاذب، افزایش سرکوب و وحشیگری و به قتل رساندن مبارزان زندانی و سانسور و اعمالی از این قسم نمیشود فرو نشانند. مردم تا کنون نشان داده اند که می خواهند حقوق غصب شده شان را به طرق متمدنانه از حکومت فاسد و جنایتکار پس بگیرند و بنیاد بی عدالتی و استبداد را از کشورشان ریشه کن نموده و نظم دمکراتیک و پیشرفته ای را جایگزین آن کنند. طبیعی است که اگر از اعتراضات مسالمت آمیز نتیجه نگیرند خواه ناخواه طولی نخواهد کشید که این اعتراضات به قیام های بیداد برافکن سرکوب ناپذیر تبدیل شوند. نان یکی از نیاز های حیاتی انسان است، کالایی لوکس نیست که مردم با زور و سرکوب نداشتن اش را بپذیرند برای کسی که نان نداشته باشد فرقی نمی کند که از نداری و گرسنگی بمیرد و یا با گلوله در مصاف با پاسداران گرسنگی و بیداد

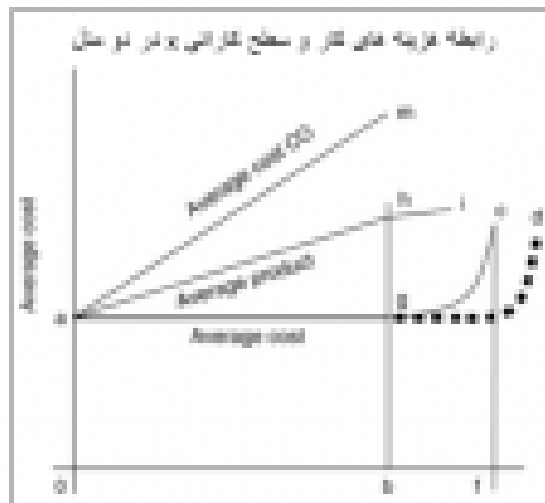
از مبارزات کارگران و مزدبگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت و مطالبات آنان حمایت کنیم!



تاریخ و تئوری تعاونیها بخش ششم

موريس آلمان



به دلایل گفته شده اغلب تعاونیهای کارگری در پی بحرانهایی ایجاد می شوند که در اثر آنها شرکتیهای سنتی در آستانه ورشکستگی و تعطیلی قرار می گیرند. در نبود تعاونی کارگران بیکاری، اسقاط شبکه های اجتماعی و مشاغل نادلخواه به نرم تبدیل می شوند. اگر محیط و سیاست تعاونیهای کارگری تولیدوری را افزایش دهد و مشوق به کارگرفتن تغییرات تکنولوژیکی باشد، در شرایطی که شرکتیهای سنتی از نظر اقتصادی ناکارآمد و در برابر فناوری پیشرفته مقاوم بوده اند، تعاونی ها می توانند موفق باشند.

نوری و تعاونیهای کارگری - ادامه

گفتیم که وقتی کارگران صاحبان شرکت نیز هستند، محرک بسیار ضعیفتری برای ترک کار خواهند داشت. کاهش نرخ ترک کار و در نتیجه نرخ گردش مالی، موجب افزایش بهره وری نیروی کار می شود، از هزینه های متوسط برای آموزش کارگران می کاهد و با حفظ تولیدوری کارگران، نهایتاً هزینه های تولید را تقلیل می دهد. به طور کلی، تعاونی های کارگری می توانند سطوح بالاتری از رفاه مادی را نسبت به شرکتیهای سنتی ایجاد کنند.

این ادعا در شکل زیر نمایش داده شده است. بنا به تحلیل‌های سنتی، تعاونیهای کارگری متحمل هزینه های بیشتری می شوند (از جمله به دلیل دستمزدها و مزایای بیشتر کارگران)، و این امر به هزینه های متوسط بیشتری به ازاء هر واحد تولید منجر می شود. در شکل این نشان داده شده است، مبین وابستگی هزینه های متوسط بالاتر برای تولید، و افزایش هزینه های تعاونیهاست. اما این امر با پاره خط یک مدل سنتی است. در مدل‌های سنتی افزایش حقوق و مزایای نیروی کار ابداً تأثیری بر تولیدوری کار ندارد. اما اگر واقعی تر بنگریم، در یک شرکت دموکراتیک که حقوق و مزایای کار به تناسب افزایش می یابد، تولیدوری کار نیز افزایش دارد. این روند با پاره خط " نیز افزایش می یابد. نشان داده شده است. بنابراین در یک شرکت تعاونی، با تقویت و بهبود عوامل مشوق نیروی کار سطح "کارائی یک شرکت تعاونی کارگر-صاحبان آن را به تولیدوری بیشتر ترغیب می کند. مادام که افزایش تولیدوری هزینه های "اضافی" مربوط به حقوق و مزایای کارگران را جبران می کند، هزینه های نیروی کار موجب پیشی گرفتن هزینه های متوسط واحد تولید تعاونی نسبت به به نهایت h نشان داده شده است. این روند در نقطه ag دیگر شرکتها نمی شود و نیازی به تجدید نظر در آن نیست. این روند با پاره خط " را نمی توان مدام افزایش داد تا هزینه های کار را جبران کند. تنها از این نقطه به بعد است که متوسط می رسد، زیرا سطح "کارائی



هزینه های تعاونی نسبت به یک شرکت سنتی پیشی می گیرد. در این نقطه دست زدن به تغییرات تکنولوژیکی ضرورت می یابد. چنین به حداکثر رسیده باشد، این x نشان داده شده است، که در صورتی که کارائی agd به agc تغییر در شکل با تغییر در منحنی هزینه از عامل است که توان جبران هزینه های مربوط به تعاونی را تقویت می کند. از این قرار دستمزد پائینتر و گردش مالی شرکتهای سنتی لزوماً تقویت بنیه رقابت این شرکتها در قیاس با شرکتهای تعاونی نمی شود و شرکتهای تعاونی مولد نیز الزاماً موجب بیرون راندن شرکتهای سنتی از بازار نمی شوند. با توجه به سیستم تشویقی برتر تعاونیهای کارگری، هیچ دلیل نظری قابل اتکائی وجود ندارد که مدلل سازد تعاونی های کارگری نمی توانند هم رقابت جانبی داشته باشند و هم موفق باشند. این البته به این معنا نیست که باید انتظار داشته باشیم تعاونیهای کارگری قادر باشند نقش مسلطی در اقتصاد داشته باشند.

تعاونیهای کارگری فقط یکی از آلترناتیوهای "افراطی" انواع سازماندهیهای سلسله مراتبی را عرضه می کنند. شرکتهای مشارکتی خصوصی، که مالکیت [محدود] برخی از کارگران بر دارایی های شرکت و داشتن رأی در امور آن را اجازه می دهند، بدیل دیگری برای انواع سازماندهیهای سلسله مراتبی است. در شرکتهای مشارکتی خصوصی نه لزومی دارد که کارگران سرمایه شان را به خطر اندازند و نه آن که خطرات ناشی از مالکیت را متحمل شوند. همچنین لزومی ندارد که آنها وقت و نیروی شان صرف اموری کنند که ممکن است مدیریت و سطوح تصمیم سازی در یک تعاونی کارگری مواجهه با آنها را ایجاب کند. این نوع شرکت (شرکت مشارکتی خصوصی) تا حدودی زیادی با تعاونیهای چندگروهی همپوشانی دارد. بسیار محتمل است که بسیاری از کارران، با توجه به امکان مشارکت در مالکیت خصوصی شرکت، دست به این گزیه بزنند. از سوی دیگر با توجه ریسکها و نیروئی که باید صرف استقرار و نگهداری یک تعاونی کارگری کرد، ممکن است بسیاری از کارگران به شرکتهای سنتی هیرارشیکی روی آورند. ضمناً با توجه به این که تأمین کنندگان مالی در امر اداره تعاونیهای سنتی اختیار محدودی دارند، اگر استقرار یک تعاونیهای کارگری، مستلزم تأمین مالی باشد، کار تأمین می تواند مشکل ساز شود. این محدودیت را می توان در تعاونی های چندگروهی رفع کرد. علاوه بر این، تعاونیهای کارگری غالباً از مشکل هماهنگی نیز رنج می برند، به این معنا که هماهنگ کردن افراد و ستمدهی به تلاش آنان برای ایجاد تعاونی کار دشوار و پرهزینه ای است. این مشکل می تواند توسط فدراسیون تعاونیهای منطقه ای و ملی به میزان زیادی تخفیف یابد. سرانجام این که اطلاعات غلط در مورد طراحی و عملکرد تعاونیهای کارگری می تواند بر ترجیحات تعاونیها تأثیر منفی بگذارد.

به دلایل گفته شده اغلب تعاونیهای کارگری در پی بحرانهایی ایجاد می شوند که در اثر آنها شرکتهای سنتی در آستانه ورشکستگی و تعطیلی قرار می گیرند. در نبود تعاونی کارگران بیکاری، اسقاط شبکه های اجتماعی و مشاغل نادلخواه به نرم تبدیل می شوند. اگر محیط و سیاست تعاونیهای کارگری تولیدوری را افزایش دهد و مشوق به کارگرفتن تغییرات تکنولوژیکی باشد، در شرایطی که شرکتهای سنتی از نظر اقتصادی ناکارآمد و در برابر فناوری پیشرفته مقاوم بوده اند، تعاونی ها می توانند موفق باشند. تعاونی ها همچنین می توانند با دستمزد پایین، یعنی در شرایطی که صاحب-کارگران با میل خود از مزایای مادی فوق العاده می گذرنند، ادامه حیات بدهند، در عرصه رقابت باقی بمانند و در نتیجه اشتغال زائی خود را تضمین کنند.

رقابت بر این پایه در کوتاه مدت تعاونی را به ظرفیت بیشتری برای جستجوی راه های تولیدوری بیشتر تجهیز می کند و این به نوبه خود امکان رقابت بر پایه دستمزد بیشتر و شرایط کای مساعدتر را در بلند مدت فراهم می آورد. در شرکت سلسله مراتبی سنتی به دلیل بی اعتمادی، اطلاعات نامتقارن و ترجیحات مختلف بین کارگران، مالکان و مدیران، معمولاً چنین ظرفیتی وجود ندارد.

علیه کاهش حق سنوات توسط دیوان عدالت اداری و برای لغو آن مبارزه کنیم!



استقلال تشکلهای کارگری، هم مرز و هم معیار!

صادق



از سوی دیگر بحث‌ها و تلاشها و هم اندیشی‌ها در میان فعالان واقعی و مستقل کارگری که خوشبختانه مدتی است متأثر از تجربیات عملی در مسیر درستی قرار گرفته‌اند برای تشکل‌یابی مستقل ادامه دارد. با وجود برخی تفاوت‌ها میان آنان اما همه نظرات موجود برسر استقلال تشکل از هر نوع آن به عنوان پرنسپب اتفاق نظر دارند. و این همان نکته‌ای است که مرز میان فعالین مستقل با تشکلهای وابسته را مشخص می‌کند. اگر چه سندیکا از نظر ما تا کنون شناخته‌ترین و با سامان‌ترین ظرف تشکل بوده است و تجربه‌ای تاریخی و آزموده شده و پردوام است، با این همه نباید گذشت اختلاف نظر بر سر ظرف تشکل بین ما شکاف ایجاد کند. تنوع تشکل را فعلا به شرط استقلال بپذیریم و بگذاریم تا تجربه حرف آخر را بزند

خبرگزاری ایلنا از مدافعان پروپاقرص تشکلهای کارگری حکومتی که بیشتر گزارشات مربوط به "فعالیت‌های" این تشکلهای را منتشر می‌کند و تلاش زیادی برای وارونه نشان دادن ماهیت و فعالیت‌های ضد کارگری آنها انجام می‌دهد، در چهارشنبه این هفته گزارش یک طرفه‌ای از مجمع عمومی یکی از این تشکلهای را که توسط باند حسن صادقی از رهبران سرسپرده خانه کارگر سرهم بندی شده است و قرار بوده از حقوق بازنشستگان دفاع کند منتشر کرد.

ظاهرا در دو مجمع عمومی این تشکل فرمایشی که بنام "پیشکسوتان" نام گذاری شده است مجمع به علی که در گزارش به آن پرداخته نشده نتوانسته است به حد نصاب لازم برسد و کارش به دور سوم کشیده شده است. معمولا وقتی که یک مجمع عمومی یک صنف نمی‌تواند در دور اول و دوم به حد نصاب اکثریت و یک سوم برسد در دور سوم می‌تواند با شرکت افراد حاضر در مجمع در مورد تشکل مربوطه تصمیم بگیرد.

در تشکلهای فرمایشی این یک روال فرمالیته است چون همه تصمیمات از پیش توسط گردانندگان آنها گرفته شده اند. گاهی نیز اتفاق افتاده که عده‌ی از افراد مستقل در این نوع تشکلهای نفوذ و هنگام تشکیل مجمع عمومی نقشه‌های آنان را بهم زده و گردانندگان تشکل مربوطه



مجبور شده‌اند جهت حفظ کنترل خود بر تشکل مربوطه مجمع عمومی را منحل کنند. در زمان گذشته این اتفاق یک بار در کنگره سندیکاهای دولتی تحت سیطره حزب مردم علم پیش آمد و گردانندگان کنگره که شکست خود را پیشبینی کرده بودند، کنگره منحل کردند.

در گزارش ایلنا هیچ اشاره‌ای به برگزاری انتخابات هیئت مدیره جدید نشده است. دلیل مبهم گذاشته شدن این قضیه که در واقع مهمترین وظیفه مجمع عمومی است، احتمالاً ناکامی دارودسته حسن صادقی در مقصود خود باید باشد. پیداست که آنها مایلند همان افرادی را که از جنس خودشان هستند بر راس این تشکل حکومتی بی مسما و روبه زوال بگمارند. منتهی دشواری کار آنان در این دوره وجود تشکلهای بازنشستگی مستقل و فعال و مورد وثوق بازنشستگان است که میدان را عملاً از دست تشکلهای امثال "پیشکسوتان" در آورده و آنان را با وجود همه حمایت‌های که دولت و دستگاه سرکوب از آنان کرده و می کند رسوا و از دور خارج کرده‌اند. بهمین جهت این گونه تشکلهای برای بقای خود بعنوان بخشی از دستگاه فریب و سرکوب حکومتی به حداقلی از مشروعیت و تغییر تاکتیک نیاز دارند و مثل گذشته نمی توانند هر کاری که خواستند انجام دهند.

وضعیت شوراهای اسلامی و اکثریت انجمن های صنفی نیز بهتر از "پیشکسوتان" نیست. آنها نیز برای بقای خود نیاز به تغییرات ظاهری دارند، زیرا آنها نیز در مقابل موج تشکل مستقل خواهی کارگران که باعث انزوا و افشای ماهیت شان شده قرار گرفته‌اند و تنها راهی که برای جلوگیری از سقوط پیش روی خود می بینند تغییر تاکتیک و تغییر ظاهر است.

طرح بحث اصلاح قانون شوراهای اسلامی و انجمن های صنفی توسط تعدادی از سرکردگان شوراهای اسلامی و انجمن های صنفی هم سنخ آنان در خبرگزاری ایلنا که ظاهراً با قصد قطع وابستگی شان به حکومت و غیر ایدولوژیک کردن شوراهای اسلامی بازتاب یافته است نیز در راستای چهره آرای تشکلهای حکومتی برای بقا و فریب کارگران و مقابله با نفوذ گرایش بسیار نیرومند تشکل خواهی مستقل در میان کارگران و عموم مزدبگیران است.

سوی دیگر این تلاشها سرهم بندی کردن انجمن های صنفی از جنس و سنخ انجمن های حکومتی موجود در صنایع نفتی به منظور مقابله با تشکلهای مستقل سندیکایی و شورایی از نوع سندیکا و شورای مستقل کارگری در هفت تپه و واکنشی بازدارنده با تشکلهای از نوع "شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت" است که هنوز آغاز نشده به دلیل هوشیاری و عدم استقبال کارگران شرکتی پیمانکاری شکست خورده است.

عدم استقبال از تشکیل شورای اسلامی در آذربایجان و هپکو و بستن درب دفتر شورای اسلامی توسط کارگران اعتصابی هفت تپه نیز گواه بارزی است از شکست این گونه تلاشها و سرآمدن دوره آنها. اما همه اینها هنوز موجبی برای دست کشیدن عوامل حکومتی برای چهره آرای نیست. آنها تلاشهایشان را ادامه خواهند داد چون مامورند و معذور، با این همه نزد کارگران افشا شده تر از آن هستند که بتوانند ماموریت جدیدشان را به سر انجام برسانند.

از سوی دیگر بحث ها و تلاشها و هم اندیشی ها در میان فعالان واقعی و مستقل کارگری که خوشبختانه مدتی است متأثر از تجربیات عملی در مسیر درستی قرار گرفته برای تشکل یابی مستقل ادامه دارد. با وجود برخی تفاوت نظرهای ماهوی اما همه نظرات موجود برسر استقلال تشکل از هر نوع آن به عنوان پرنسیپ اتفاق نظر دارند. و این همان نکته‌ای است که مرز میان فعالین مستقل با تشکلهای وابسته را مشخص می کند. اگر چه سندیکا از نظر ما تا کنون شناخته ترین و با سامان ترین ظرف تشکل بوده است و تجربه‌ای تاریخی و آزموده شده و پردوام است، با این همه نباید گذاشت اختلاف نظر بر سر ظرف تشکل بین ما شکاف ایجاد کند. تنوع تشکل را فعلاً به شرط استقلال بپذیریم و بگذاریم تا تجربه حرف آخر را بزند! گرچه تجربه سازمانیابی فرهنگی می تواند راهنمای خوبی برای سایر گروه های مزدبگیر در امر سازمانیابی باشد.

به سرکوب سندیکاها و تشکلهای کارگری و پیگرد فعالین کارگری پایان دهید!

از اعتصاب و مطالبات به حق کارگران هفت تپه حمایت کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



تظاهرات سراسری فرهنگیان مهمترین رویداد کارگری و اجتماعی هفته

تظاهرات سراسری معلمان و فرهنگیان در دهها استان و شهر که با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در سوم ماه مهر برگزار گردید، مهمترین رویداد کارگری و اجتماعی این هفته بود. از اهمیت و تاثیرات این اعتراض همین بس که ابراهیم رئیسی، قالیباف و معاون کمیسیون امنیت ملی را وادار به دادن قول رسیدگی به خواسته های معلمان کرد.

اعتراضات در واقع از یک هفته پیشتر از موعد اعتراض سراسری توسط فرهنگیان در شهرهای بسیاری شروع شد و در سوم مهر نیز اعتراضات متعددی در ۴۵ شهر و مراکز ۲۰ استان برگزار شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در سوم مهر با انتشار قطعنامه‌ای بار دیگر بر اجرای خواسته های فرهنگیان تاکید و خواستار عملی کردن آنها گردید.

در قطعنامه این تشکل سراسری علاوه بر خواسته‌های صنفی ویژه فرهنگیان همچون اجرای رتبه بندی، افزایش دستمزد و حقوق به حداقل ۱۲،۵ میلیون تومان، اجرای همسان سازی حقوق بازنشستگان، تشکلهای معلمان مخالفت شان با بازگشایی مدارس قبل از انجام تعمیرات لازم برای اجرای پروتکل های کرونایی و همچنین مخالفت خود با خصوصی سازی و پولی شدن بخش آموزش را که موجب بازماندن میلیونها کودک از تحصیل و طبقاتی شدن آموزش و افت کیفیت آموزش گردیده اعلام کردند.

حکومت که قبلا عده زیادی از فعالان تشکلهای صنفی معلمان را زندانی و عده بیشتری را تهدید و تعلیق کرده بود، نتوانست مانع از برگزاری این حرکت سراسری گردد روز بعد از تظاهرات با بازداشت عزیز قاسم زاده سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان استان گیلان، نشان داد که حاضر نیست به خواسته‌های به حق یک میلیون فرهنگی گردن نهد. با این همه یقیناً نمی تواند همچنان بکلی به رویه تا کنونی خود ادامه دهد. زیرا با یک جنبش فراگیر و سازمان یافته نیرومند از افراد فرهیخته و دانا و آگاه به حق و حقوق خود مواجه است. معلمان و فرهنگیان مطمئناً مرعوب سرکوبها نخواهند شد و مبارزات شان را ادامه خواهند داد. کما اینکه تا کنون چنین بوده است.

تجمع معلمان در قم



معلمان و فرهنگیان استان قم در ۸ مهر ماه دوباره با تجمع در قم خواستار عملی شدن مطالبات خود توسط دولت و مجلس شدند. این تجمع در واقع هشدار بود به دولت مبنی بر ایستایی و پیگیری مطالبات توسط معلمان تا گرفتن پاسخ مثبت و اعتراض به تحت پیگرد قرار دادن رهبران تشکلهای صنفی

ادامه اعتصاب در میان کارگران پیمانکاری های نفتی

اعتصاب کارگران پیمانی در بسیاری از واحدهای صنایع نفتی در این هفته نیز استمرار یافت. شورای سازماندهی اعتصاب کارگران پیمانی اعلام کرد به رغم موافقت تعدادی از کارفرمایان با خواسته های اصلی اعتصابیون و بازگشت به کار عدهای از کارگران در اثر توافق، اعتصاب در واحدهایی که کارفرمایان همچنان از پذیرش خواسته های کارگران امتناع می ورزند ادامه دارد

گزارش این شورا در این هفته نیز حاکی از بازگشت به اعتصاب کارگران شرکتی دارد که کارفرمایان آنها به توافقات شان با کارگران عمل نکرده بودند. آخرین نمونه که در گزارش شورا به آن اشاره شده است، بازگشت کارگران جوشکار به اعتصاب است. در گزارش گفته می شود: "روز دوم مهرماه همکاران جوشکار در پایندان با خواست بسته شدن قراردادهای کاری و تاکید بر انجام آن تا تا روز شنبه ده مهر دست از کار کشیده اند. بعلاوه کارگران پیمانی پروژه ای در اکسیر در فاز ۱۴ عسلویه همچنان در اعتصاب بسر میبرند و اعلام کرده اند که تا وقتی قراردادهای کتبی و رسمی نشود سر کار نخواهند رفت. بعلاوه زمزمه های بازگشت به اعتصاب در دیگر شرکت های فار 14، پروژه جاسک، پتروشیمی بوشهر، شرکت های فعال در پالایشگاه آبادان، پارس فنل، پاد جم، ماهشهر پتروشیمی سلمان فارسی نیز شنیده میشود. این اعتراضات عمدتاً به خلف وعده پیمانکاران، عدم پذیرش 20 روز کار و 10 روز مرخصی و دستمزد مورد درخواست کارگران در برخی از شرکت ها از سوی پیمانکاران است. شورای سازماندهی بر تصمیم گیری جمعی "کارگران در مجمع عمومی، انتخاب نمایندگان و قراردادهای جمعی تاکید دارد

از سرگیری دور دیگری از اعتصاب در هفت تپه

کارگران هفت تپه در پی ناروشتی هایی که همچنان در مورد تکلیف مالک اختلاسگر و ظاهراً محکوم شده هفت تپه امید اسد بیگی وجود دارد و همچنین، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات چند ماه گذشته شان و نگرانی از ادامه فعالیت مدیریت و دیگر عوامل اسد بیگی در کارخانه و اخراج عدهای از کارگران و برای رسیدگی به خواسته های شان دوباره از ۶ مهر دور تازه ای از اعتصاب را شروع کردند که معلوم نیست چند وقت ادامه پیدا کند

خواست های کارگران هفت تپه به نوشته کانال سندیکا عبارت اند از

تعیین تکلیف شرکت و هیئت مدیره _

برگشت بکار اخراجی های مطالبه گر _

بستن درب دفتر شورای اسلامی _

مختومه اعلام کردن پرونده ی خانم زیلابی وکیل کارگران هفت تپه _

گفتنی است که در روز دوم اعتصاب کارگران خشمگین از سرسپردگی شورای اسلامی کار که از بالای سر کارگران و با کمک کارفرما و مقامات استانداری سر هم بندی شده است دفتر شورای اسلامی را بستند. شورای اسلامی در اوج سرکوب و بگیر و ببند تعدادی از رهبران سندیکا و شورای کارگری مستقل کارخانه و به منظور کمک به درهم شکستن مقاومت کارگران و مقابله با اعتصاب کارگران تشکیل شده بود

!سهم دلالتان بازار کار از دستمزدها سه برابر کارگر است

چیزی که بیشتر از همه آزارمان می دهد این است که شنیده ایم شرکت بابت هرکدام از ما روزانه حدود ۳۰۰ هزار تومان از بانکها "دریافت می کند اما به ما روزانه حدود ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان می دهد، که باز هم از آن کسر می شود



خبرگزاری ایلنا روز گذشته گزارشی از اعتراض افرادی که به عنوان نگهبان مسلح در بانکهای گیلان کار می کنند و شرکتی هستند منتشر کرد. اعتراض و شکایت نگهبانان بانکهای گیلان کم و بیش همانند بقیه کارگران شرکتی است. حقوق کمی به آنها می دهند، از مزایای کارگران رسمی برخوردار نیستند، حقوق شان را به موقع نمی دهند و اگر اعتراض بکنند و حق خواهی کنند اخراجشان می کنند. با این احوال شاید کمتر کسی بداند که صاحبان این شرکتها یک سوم پولی را که از بانکها بابت اجاره یک نگهبان می گیرند به آنها می دهند و در واقع بابت واسطگی سود سوبله کسب می کنند. در این گزارش یکی از نگهبانان ناراضی از رفتار صاحب کار خود که می خواهد نام اش محفوظ بماند به خبرنگار گفت

چیزی که بیشتر از همه آزارمان می دهد این است که شنیده ایم شرکت بابت هرکدام از ما روزانه حدود ۳۰۰ هزار تومان از بانکها " دریافت می کند اما به ما روزانه حدود ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان می دهد، که باز هم از آن کسر می شود

تجمع کارگران پیمانکاری شرکت ملی صنایع مس در اعتراض به اخراج همکاران شان

به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگران «شرکت پیمانکاری شرکت راهسازی و معدنی مبین»، از پیمانکاران دست اول شرکت ملی صنایع مس ایران، در اعتراض به وضعیت خود و بازداشت ۴ کارگر مقابل اداره کار و اداره اماکن شهر بابک تجمع کردند

به گفته برخی منابع کارگری؛ اخراج ۷ نفر از نیروی کار این شرکت سبب درگیری میان مدیران شرکت و دیگر کارکنان شد. بر اثر این اتفاق، چند نفر از مدیران شرکت پیمانکاری در درگیری آسیب دیدند. پس از این درگیری، ۴ نفر از کارگران بازداشت می شوند. کارگران معترض حضور بازداشت شدگان در درگیریهای فیزیکی را رد کرده اند و علت بازداشت همکاران شان را پیگیری مطالبات کارگران عنوان کرده اند. اما کارفرما این بهانه را وسیله اخراج ۴ کارگر قرار داده است

فشار به کارگران در کارخانه ها به حدی است که گاهی تحمل کارگر را به سر می برد و آنان را وادار به واکنش عصبی می کند، این موضوعی است که همیشه نمی شود آن را کسی کنترل کند و معمولاً بهانه به دست کارفرما و عمال سرکوب می دهد تا با کمک آن اعتراضات را سرکوب و توجیه نمایند. بر حسب تجربه به ندرت ممکن است سازمانگران اعتراضات خویشتن داری را تا آنجا از دست بدهند که با کارفرما درگیری فیزیکی پیدا کنند. با این همه در اعتصابات تا آنجا که میسر است و به سود کارگران است که تن به درگیری فیزیکی داده نشود

تجمع کارکنان و بازنشستگان هما مقابل وزارت راه با تقاضای افزایش حقوق

به گزارش ایلنا جمعی از بازنشستگان و کارکنان شاغل هما که دستمزدها و حقوق شان را نا عادلانه و ناچیز می دانند، مقابل وزارت راه تجمع و خواهان افزایش آن شدند. خبرگزاری ایلنا به نقل از معترضین به نا عادلانه بودن دستمزد نوشت: "...حقوق ما نه تنها نا عادلانه و ناچیز است بلکه با تاخیر هم پرداخت می شود

نارضایتی و اعتراض به سطح نازل دستمزدها و حقوق دیگر محدود به کارگران و یا بخش خاصی از مزد و حقوق بگیران نیست، عموم مزد و حقوق بگیران از کارگر و معلم و پرستار گرفته تا کارمندان و کارکنان دولتی و خصوصی از دستمزدهای غالباً زیر خط فقر خود ناراضی و معترض اند. گرانی فزاینده هزینه های زندگی و سقوط ارزش دستمزدهای ریالی در مقابل قیمت دلاری کالاها موج گسترده ای از اعتراض این گروه ها را سبب شده است و افزایش دستمزد را به یک خواست فراگیر و عمومی تبدیل کرده است

تجمع همزمان بازنشستگان وزارت بهداشت در پنج شهر

بازنشستگان وزارت بهداشت در شهرهای اصفهان، گرگان، تبریز رشت و اهواز که از رسیدگی نکردن مسئولین به مطالبات شان به شدت ناراضی و نسبت به آن معترض هستند در ۶ مهر بطور همزمان با برگزاری تجمع های که در این شهرها برگزار کردند خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. پرداخت به موقع حقوق و پاداش و اجرای همسان سازی حقوق ها مهمترین خواسته های معترضین هستند

اعتراض کارگران معادن زغال سنگ در کرمان



کارگران معادن زغال سنگ کرمان بار دیگر در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و شرایط دشوار شغلی در معادن خصوصی تجمع کردند. کارگران معترض که از معادن "پابدانای جنوبی، چشمه پونه، سرپرده، باب شکون، گله توت و ۱۲-۱۴ بودند"، در تجمع شان که در ۶ مهر برگزار شد، خواستار افزایش دستمزد و مزایا همانند کارگران معادن دولتی شدند. به گفته کارگران به رغم اینکه حجم تولید در معادن خصوصی دوبرابر معادن دولتی است، دستمزد و مزایای آنها در معادن خصوصی نصف معادن دولتی است. در این صورت آیا جای تعجب دارد که کارگران با سیاست خصوصی سازی دولت و بخش خصوصی این همه مخالفت می کنند؟

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

دولت موظف است معاش تهی دستان و آسیب دیدگان از کرونا را تامین کند!

دستمزد و حقوق کارگران و مزدبگیران باید به موقع پرداخت شود!



از مبارزه سراسری کارگران پیمانی و شرکتی برای لغو کار پیمانی حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>